

گروه فرهنگ و هنر – در میان استان‌های کشور، گیلان یکی از مناطقی است که موسیقی متنوعی دارد؛ با این حال چند سالی است گروه‌های فعال گیلان کمتر به موسیقی محلی و آثار و قطعات قدیمی می‌پردازند.

صفرعلی رضوانی (ترانه‌سرا، پژوهشگر، نوازنده و آهنگساز) حدود سه دهه است که با تمرکز بر موسیقی فولکلوریک گیلان به فعالیت‌های پژوهشی و اجرایی مشغول است. می‌گوید: مشکل این است که مردم استان گیلان در چنین مواردی مطالعه‌گر نیستند. درست است که استان پر قدمت و با پیشینه گیلان در طول تاریخ موسیقی، شخصیت‌های بزرگی داشته و هر کدام به واسطه مشخصه‌هایی که داشته‌اند، مطرح شده‌اند، با این حال موسیقی درست و درمانی ندارد.

موسیقی نواحی کشور از چه مقطعی به بعد دچار تغییرات اساسی شد؟

ما هرچه به لحاظ زمانی جلوتر رویم، متوجه خواهیم شد که تغییرات و سیر تحولات در صد سال و دو سده سال اخیر، نسبت به دوره‌های قبلی بسیار بیشتر بوده است. تا پیش از یکی، دو قرن گذشته، آنچه در زمینه موسیقی رخ داده ثبت و ضبط نشده و چه بسا آثاری که ما آنها را شنیده‌ایم، طی یکی دو قرن گذشته بوده که موسیقی توسط دستگاه‌ها و ابزارهایی که توسط بشر ساخته شده به صورت صوتی، تصویری و مکتوب شده ثبت شده است. این تحولات در ایران، از دوران قاجار ایجاد شده و از آن زمان تاکنون نسبت به ادوار قبل شاهد تغییراتی عجیب و غریب هستیم. قدمت موسیقی ایران به ۱۲ هزار سال پیش بازمی‌گردد.

کشورمان به لحاظ جغرافیایی و اقلیمی دارای تنوع بسیار است. این ویژگی تا چه حد موسیقی گیلان را تحت تأثیر قرار داده؟

فراکاتنا شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر وضعیت معیشتی مردم مناطق مختلف تأثیر داشته است. به طور مثال در مناطق کوهستانی کشور موسیقی شبانی و چوپانی و در مناطق کوهستان و خزر موسیقی ساحلی و موسیقی در موارد توجیه بوده و عمومیت داشته است. بین مناطق کوهستانی و ساحلی نیز تمایز سبزی وجود دارد که مردم این بخش نیز موسیقی خاص خودشان دارند که به نوعی تلفیقی از موسیقی هر دو منطقه است.

طی دهه‌های قبل به دلیل عمومیت یافتن تکنولوژی و مورد توجه قرار گرفتن ابزار و ادوات دیجیتال و انقلابات زندگی مدرن، موسیقی دچار تغییراتی شده. طی این روند سنسکها و موسیقی‌های عامه‌پسند و پر زرق و برق، توجه نوجوانان و جوانان علاقمند را به خود جلب کرده است. این اتفاق موسیقی نواحی ما را دچار

چالش‌های عیدیه کرد. در اینبار به نظری دارید؟

اشاره به جایی کردید و بر اساس هر آنچه که گفتید موسیقی نواحی کل کشور به ویژه گیلان رو به زوال است. به هر حال برخی موارد به توسعه فرهنگی بازمی‌گردد که وجود اینترنت، موسیقی‌های رایج و بازاری و یکبار مصرف بخشی از آن است. همانطور که غذاها، پوشاک، معماری و دیگر موارد دچار تغییراتی شده‌اند، طبیعی است که دیگر عرصه‌ها نیز با تغییراتی مواجه باشند. شخصی چون من که در عرصه موسیقی فعالیت می‌کنم، هدفم این نیست که مقابله‌ای با تغییر و تحولات بایستم و جلوی آنها را بگیرم، البته نباید هم اینگونه باشد؛ زیرا انسان امروز با نسل‌های قبلی متفاوت است، من و پسرم که بیست سال اختلاف سن داریم، با هم متفاوتیم، چه رسد به اینکه این فاصله صد سال و دو سده است و دو هزار سال باشد. نیازهای انسان‌های امروز متفاوت است و یقیناً موسیقی خودش را می‌خواهد. با توجه به همه اینها، تلاش ما در راستای اهمیت موسیقی نواحی و جلوگیری از مهاجور ماندن و به از نوا رفتن آن است و در همین راستا فعالیت می‌کنیم. اعتقاد ما این است که اگر بر داشته‌هایمان تمرکز و غور و تفحص نکنیم و به ثبت آنها نیز نپردازیم، یقیناً مرادمان بی‌ریشه‌ای خواهیم بود و بی‌ریشه‌ای بدترین درد و بزرگترین مشکلی است که می‌تواند اجتماع و فرهنگی دیرپا را از به راحتی از پا در آورد.

موسیقی گیلان در حال حاضر چه وضعیتی دارد و گروه‌های فعال تا چه به موسیقی فولکلوریک و محلی منطقه توجه دارند؟

من آدم بدبینی نیستم، اما معتقدم گیلان با همه پتانسیل‌های داشته‌ها، متأسفانه فاقد گروه‌ها و انفرادی است که از موسیقی فولکلوریک منطقه دفاع کند. اگر جبرأت نباشد، باید بگویم برخی از افرادی که در عرصه موسیقی گیلان فعالیت می‌کنند، صرفاً طفرسی می‌کنند و بازار گرمی و بازار کردانی، بسرای خانم‌های گروه چند لباس رنگی تهیه می‌کنند و روی صحنه می‌روند و بی آنکه گوش موسیقی داشته باشند و بی آنکه بلدانند چه می‌خوانند، به اجرای برنامه می‌پردازند. مطمئناً تهیه چند نفره‌اند و وجود دارد که مردم این در نهایت می‌توان با پاهای تا یک میلیون تومان اعضای یک گروه را لباس محلی پوشانند. به همین راحتی می‌توان گروه تشکیل داد و هر کس هم آثار و اجراهای چنین گروه‌هایی را ببیند و بشنود تصور می‌کند موسیقی گیلان همان است.

یعنی کارهای بسیار از این گروه‌ها مورد تأیید نیست؟
آهنگهایی که در زمینه موسیقی جدی ایران کار می‌کنند و بر موقعا «اتنوموزیکولوژی» تمرکز دارند، نه تنها آن گروه‌ها و افراد را نمی‌پذیرند، بلکه معتقد جدی آنها هستند. **دلایل این کاستی جدی و عدم**

«روز-مرگی» در راه ابریشم

گروه فرهنگ و هنر – نمایشگاه عکس‌های ساسانی با عنوان «روز-مرگی» که جامعه زنان و مسائل آنها را مورد مطالعه بصری قرار داده است، عصر جمعه (۱۴ شهریور) در گالری راه ابریشم افتتاح شد. در این نمایشگاه ۲۵ فریم عکس رنگی در ابعاد مختلف به نمایش درمی‌آید. همچنین ویدیو مبتنی بر روایت‌هایی مستند از روزمرگی زنان در این نمایشگاه ارائه می‌شود. در بخشی از بیانیه این نمایشگاه آمده است: «از گان زبانی در زبان فارسی هستند که شبیه هم نوشته می‌شوند اما معانی متفاوتی دارند. منجمله دو واژه «روزمرگی» و «روز-مرگی». از قضا این دو واژه این روزهای در ایران، علاوه بر شکل واحد، معانی نزدیک به هم نیز یافته‌اند. مجموعی از شرایط، بخش عمده‌ای از زنان کشور را به روز-مرگی یعنی هر روز مردن و داشته است. کشورها را اسپری می‌کنند و بدون اینکه منتظر آینده‌ای بهتر باشند، هر روز در خود و روزانه‌هایشان دفن می‌شوند...» ساسانی تا یکبار به نمایش خندیده‌های زنان در این نمایشگاه گفت: از آنجا که من یک زن هستم، جامعه زنان و مسائل آنها همیشه مورد توجه و مطالعه من بوده است. من تنها بر میدان زبانه جامعه تسلط و شناخت دارم و همواره مردان و جامعه مردان، حوزه مورد علاقه و بررسی من نبوده است. قطعاً نمی‌تواند جامعه یعنی مردان نیز مسائل و مصائب

«شرم‌نده نباش دختر»

نویسنده:
ریچل هالیس
مترجم:
ساره خسروی



گروه فرهنگ و هنر – هالیس در کتاب **شرم‌نده نباش دختر** به مبارزه و روش برنامهریزی در رسیدن به اهدافمان را آموزش می‌دهد. هرکسی حق دارد در زندگی رویاهای و اهدافی داشته باشد. مگر نه؟ اما آیا همه می‌توانند به خواسته‌ها، اهداف و رویاهایشان برسند؟ ریچل هالیس در کتاب **شرم‌نده نباش دختر** این حق را به تمام دختران و زنان می‌دهد تا دست از شرمندگی بردارند. احساس خجالت را کنار بگذارند و بدون حس شرم و گناه، به دنبال واقعی کردن رویاهایشان باشند. هالیس به کتاب **شرم‌نده نباش دختر**، به تمام زنان این پیام را می‌دهد که رویایی برای خودشان بسازند و با امیدواری و البته تلاش و کوشش مداوم و روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر

به دنبال واقعی کردن رویایشان بروند. اگر تا پیش از این به شما یاد داده بودند برای اینکه زن یا دختر خوبی باشید، باید مرتب و سرور و سرور دادن به اطرافیان ادامه دهید و همیشه لیست بلند بالایی از افراد بودند که باید آن‌ها را راضی می‌کردید، اگر هیچ وقتی برای خودتان، رویاها و رویاها را و دنبال کردن اهدافتان نداشتید، کتاب **شرم‌نده نباش دختر** را بخوانید. ریچل هالیس راه و روش برنامهریزی بی‌نقص برای رسیدن به هدف‌ها و رویاهایمان را به شما یاد می‌دهد.

خواندن کتاب شرم‌نده نباش دختر

به تمام دختران و زنان بسیار مفید است. اگر هدفتی در سرتان دارید و نمی‌دانید چطور به آن‌ها دست پیدا کنید.

صفرعلی رضوانی ترانه‌سرا، پژوهشگر و نوازنده گیلانی:

موسیقی نواحی در سراسر کشور رو به زوال است

صفرعلی رضوانی می‌گوید: آیا به‌روز شدن آثار فولک؛ یعنی مثلاً به موزه‌های برویم که آثار ده هزار سال پیش در آن وجود دارد و آن آثار بر برداریم و بزک و دوزک کنیم و بگوییم این آثار به‌روز شده‌اند؟ اگر قرار باشد مخاطبان امروز موسیقی چهل یا پنجاه سال پیش را با تنظیم امروزی بشنوند، عملاً پیشینه ذهنی و خاطرات موسیقایی مردم از بین برده‌ایم.



توجه هنرمندان گیلان به موسیقی فولکلوریک منطقه چیست؟

مشکل این است که مردم استان در چنین مواردی مطالبه‌گر نیستند. درست است که استان پر قدمت و با پیشینه گیلان در طول تاریخ موسیقی، شخصیت‌های بزرگی داشته و هر کدام به واسطه مشخصه‌هایی که داشته‌اند، مطرح شده‌اند، با این حال موسیقی فرسوده و پوررخصاً صدایی جادویی و فوق‌العاده داشته است. استاد اصغر سعودی عزیز یکی از خواننده‌های بسیار خوش صدای گیلانی است. او با توجه به جایگاهی که در موسیقی ملی ایران داشت، توانست در برنامه‌هایی چون «گل‌ها» آثار گیلکی نیز بخواند. اما همه آن آثار، اصطلاحاً کاری از موسیقی گیلکی بوده و موسیقی عمیق مردم ما نیست.

استاد احمد عاشورپور یکی دیگر از هنرمندان گیلانی هستند که انسانی بسیار شریف و خوش صدا بود. من آثار این بزرگوار را به همه دسته تقسیم می‌کنم. دسته اول آثار کاور شده ایشان است. دسته دوم آثاری هستند که توسط مرحوم استاد خوشدل و دیگر اساتید ساخته شده‌اند و

اتفاقی نظرند. دسته سوم نیز آثاری هستند که فولکلورند و آقای عاشورپور به سلیقه خودش و اعضای گروهش آنها را تغییر داده و به نظر زیباتر و شنیدنی‌تر شده‌اند.

آثار کاور شده آقای عاشورپور، شامل چه کارهایی هستند و از کدام

آثار به‌روز شدن آثار فولک؛ یعنی مثلاً به موزه‌های برویم که آثار ده‌هزار سال پیش در آن وجود دارد و آن آثار را برداریم و بزک و دوزک کنیم و بگوییم این آثار به‌روز شده‌اند؟ من قصد جنگیدن با کسی را ندارم، بلکه هدفم این است که موسیقی مردم منطقه و دیار را، و آن موسیقی‌هایی که توسط مردان و زنان در شالیزارها خوانده شده‌اند را در شکل درست (از لحاظ ریتم، ملودی، آوازشناسی و...) به دیگران ارایه دهیم. لذا تولیداتی با هدف به‌روز کردن موسیقی فولک اشتباه محض است، بلکه باید موسیقی جدید تولید کنیم.

موسیقی‌ها برداشت شده‌اند؟
آقای جهانگیر سرتیپ‌پور در مقطعی ملودی‌های لهستانی و اروپایی شرقی را مورد توجه قرار دادند؛ آثار آنها را گوش می‌داد و روی آنها کلام و وکال گیلکی می‌گذاشت. بر همین اساس می‌توان گفت اغلب آثاری که به این شکل بوده‌اند و استاد

عاشورپور آنها را خوانده، هیچ‌کدام شعر نیستند و فاقد شاعرانگی‌اند؛ بلکه آثاری کاور شده‌اند. البته این را هم بگویم که آقای عاشورپور هدف خیلی بالاتری داشته‌اند و قصدشان بیدار کردن توده‌ها بود اما در راستای موسیقی ملی و فولکلوریک گیلان

بله موسیقی گیلان غنی است، اما موزیسین‌های زیادی ندارد. اهالی موسیقی گیلان تنها به تهیه کاور از آثار قبلی یا فرم‌های ساده می‌پردازند. به نظر من که کارشناس موسیقی هستم و سال‌هاست در این عرصه فعالیت می‌کنم، بخش زیادی از آثاری که طی این سالها تولید شده‌اند، سطحی هستند. اگر به خراسان بروید خواهید دید که اهالی آنجا موزیسین‌های فوق‌العاده دارند؛ مانند زنده‌یادان غلامعلی پورعلی و نورمحمد درپور. زمانی که به

قدم‌های برداشته‌اند. نه فقط ایشان که استاد سعودی و استاد پوررضایزنگنه بودند که البته استاد پوررضایزنگنه به موسیقی فولکلوریک پرداخته است، اما در مجموع قدرت افراد را نداریم که به صورت متمرکز و درست، موسیقی فولکلوریک گیلان را مبانی فعالیت‌هایشان

فولکلوریک برای جذب مخاطبان بیشتر چه نظری دارید؟

به نظر من چنین ترکیب واژه‌ای اشتباه است. آیا به‌روز شدن آثار فولک؛ یعنی مثلاً به موزه‌های برویم که آثار ده هزار سال پیش در آن وجود دارد و آن آثار را برداریم و بزک و دوزک کنیم و بگوییم این آثار به‌روز شده‌اند؟

من قصد جنگیدن با کسی را ندارم، بلکه هدفم این است که موسیقی مردم منطقه و دیار ما را، و آن موسیقی‌هایی که توسط مردان و زنان در شالیزارها خوانده شده‌اند را در شکل درست (از لحاظ ریتم، ملودی، آوازشناسی و...) به دیگران ارایه دهیم. لذا تولیداتی با هدف به‌روز کردن موسیقی فولک اشتباه محض است، بلکه باید موسیقی جدید تولید کنیم. استاد دعایی که خدا او را حفظ کند، سال‌هاست در زمینه موسیقی فولک فعالیت می‌کنم و آثار گیلکی

متأسفانه خیر. حدود سه سال پیش آلبومی را در انجمن موسیقی گیلان توسط استاد علی‌احمدی فریضت کردیم که منتشر نشد. در ادامه، آلبوم را تحویل گرفتیم و آن را به حوزه هنری ارائه دادیم و برای انتشار آن نیز از ارشاد اجازه گرفتیم. حال نزدیک به یک سال از این اتفاق گذشته و حوزه هنری اثر را منتشر نکرده است؛ چرا؟ به این دلیل که مسئولان مربوطه اصلاً به انجام چنین کارهایی فکر نمی‌کنند و برایشان اهمیتی ندارد. از آنجا که اقتصاد تعریف شده‌ای نداریم، همه ادارات، حتی نهادها و مراکز فرهنگی به فکر پول درآوردن و کسب درآمد؛ بنابراین به دنبال افرادی هستند که آثار شیش و هشت و ریتمیک تولید کنند و به محتوای آثار نیز اصلاً کاری ندارند. بنا به دلایلی که گفتیم چشم‌امیدی به ارشاد، حوزه هنری و حتی صداوسیما گیلان نداریم.

علاقمند صداسوسیمای گیلان دربرابر موسیقی گیلان چگونه است؟

صداسوسیمای گیلان به جای بهره‌گیری از هنرمندان، تعدادی افراد را مقابل دوربین می‌برد و آنها را به عنوان اساتید موسیقی معرفی می‌کند. موسیقی گیلان تنها رقص و قطعاتی چون «رعنا» نیست. موسیقی گیلان بسیار عمیق است، ما موسیقی زنان داریم. موسیقی مردان داریم. لایایی و موسیقی کار جداگانه داریم و غیره و غیره. اینگونه برنامه‌های آموزشی می‌کنند. هنرمندان و علاقمندان ما نیز پس از پنج جلسه کلاس، بدون تحقیق و پژوهش در این عرصه فعالیت می‌کنم، بخش زیادی از آثاری که طی این سالها تولید شده‌اند، سطحی هستند. اگر به خراسان بروید خواهید دید که اهالی آنجا موزیسین‌های فوق‌العاده دارند؛ مانند زنده‌یادان غلامعلی پورعلی و نورمحمد درپور. زمانی که به

مانند استاد احمد محسن پور و دیگر فعالان. تاکنون چندین کتاب در زمینه موسیقی فولکلوریک ما ندرمان نوشته شده

موسیقی فولک فعالیت می‌کنند و آثار گیلکی عینی را ارائه کرده است. ایشان موسیقی فولکلوریک درست نکرده، بلکه خودش از دل موسیقی درآمده است. اینکه مثلاً قطعه «رعنا» را با شکلی جدید ارائه دادیم، اشتباه است. زیبایی آثار فولکلوریک این است که فولکلور شنیده می‌شوند. زمانی که اثری را دستکاری می‌کنیم، مجموعه سازها و نوع سازبندی‌ها را دچار اختلال کرده‌ایم. اگر قرار باشد مخاطبان امروز موسیقی چهل یا پنجاه سال پیش را با تنظیم امروزی بشنوند، عملاً پیشینه ذهنی و خاطرات موسیقایی مردم از بین برده‌ایم. من با چنین مواردی مشکل دارم، و گرنه هر کس می‌تواند هر آنچه را درست می‌داند، انجام دهد. مشکل اینجاست افرادی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند، شته‌شان خالی است. بیش‌کلی اگر هنرمند و پژوهشگری با دانش و اندیشه درست به تولید چنین آثار پیرا، نسبت به اشخاصی بدون دانش‌های موثق و سواد کافی، موفق تر خواهد بود.

مسنولان ارشاد و حوزه هنری از هنرمندان و فعالان موسیقی گیلانی استفاده می‌کنند؟

موسیقی فولک فعالیت می‌کنند و آثار گیلکی عینی را ارائه کرده است. ایشان موسیقی فولکلوریک درست نکرده، بلکه خودش از دل موسیقی درآمده است. اینکه مثلاً قطعه «رعنا» را با شکلی جدید ارائه دادیم، اشتباه است. زیبایی آثار فولکلوریک این است که فولکلور شنیده می‌شوند. زمانی که اثری را دستکاری می‌کنیم، مجموعه سازها و نوع سازبندی‌ها را دچار اختلال کرده‌ایم. اگر قرار باشد مخاطبان امروز موسیقی چهل یا پنجاه سال پیش را با تنظیم امروزی بشنوند، عملاً پیشینه ذهنی و خاطرات موسیقایی مردم از بین برده‌ایم. من با چنین مواردی مشکل دارم، و گرنه هر کس می‌تواند هر آنچه را درست می‌داند، انجام دهد. مشکل اینجاست افرادی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند، شته‌شان خالی است. بیش‌کلی اگر هنرمند و پژوهشگری با دانش و اندیشه درست به تولید چنین آثار پیرا، نسبت به اشخاصی بدون دانش‌های موثق و سواد کافی، موفق تر خواهد بود.

در حال حاضر با وجود بیماری کرونا همچنان به فعالیت‌های هنری مشغولید؟

اگر به موسیقی نپردازم با شخصی مرده تفاوتی نخواهم داشت. کارگاهی دارم و در منزل مشغول ساخت ساز هستم و در زمینه آیین‌ها و سازهای گیلان و مقولات مربوط به موسیقی منطقه پژوهش و تحقیق می‌کنم. از طرفی طی سال‌های اخیر سه نوازنده کمانچه تربیت کرده‌ام که کارشان خوب است و از آنها راضی هستم. سال گذشته کنسرتی پژوهشی برگزار کردم که اسامی به دلیل بحران کرونا برگزار نشد. طی این مدت نیز به برگزاری برنامه‌های مجازی و کنسرت‌های آنلاین پرداخته‌ام. کلاً، با وجود آسیب‌هایی که طی چند ماه گذشته به اهالی موسیقی وارد شده، با عدم فعالیت‌ها و تعطیلی موسیقی در شرایط فعلی موقعا؛ زیرا بحث سلامت جامعه مطرح است. متأسفانه آمار فوتی‌ها همچنان بالاست و باید دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کنیم و بیماری کرونا را جدی بگیریم.

درباره به‌روز کردن آثار

TT
TOPTOURS Group
تاپ تورز

Top Tours, the people's choice

Dolphin Park
پارک دلفین کیش

تاپ تورز نماینده انحصاری فروش پارک دلفین کیش

021-8586 www.ttgroup.ir @Toptours_Group ttgroup.ir



فراخوانی ارسال شده که تعدادی از آنها انتخاب شده است. ساسانی متولد سال ۱۳۶۴ در تهران، فارغ التحصیل پژوهش هنر و جامعه‌شناسی است. او پیش از ۱۷ سال در زمینه عکاسی سابقه دارد و علاوه بر برگزاری چهار نمایشگاه انفرادی در بیش از پنجاه نمایشگاه و جشنواره گروهی در داخل ایران و علاوه بر آن فرانسه، آمریکا، ایتالیا، بلژیک، گرچستان و آلمان شرکت کرده و موفق به کسب سه رتبه نخست در جشنواره‌های معتبر داخلی شده است.



معرفی کتاب «شاید نیازی داری با یک نفر حرف بزنی»

نویسنده:
لوری گوتلیب
مترجم:
بهاره پیژمند

بوده که انسانیت را در آنها مکتشف سازد تا بتوانیم خودمان را واضح‌تر ببینیم. به عبارت دیگر اگر خود را در لابه‌لای صفحات این کتاب دیدی تعجب نکند؛ زیرا در وجود هر کدام از ما رازها و ناگفته‌هایی است که شاید میان همه‌مان مشترک باشد و با خواندن این کتاب و سیرح احوال بیماران گانگبی بتوانیم خود ناآشناخته و به انزوا رفته‌مان را بیاییم. خودی که شاید تا بحال جرأت آن را نداشته‌ایم. دربارش با کسی بزبیم چه رسد به رفتن پیش روان‌درمانگر.

درباره کتاب شاید نیازی داری با یک نفر حرف بزنی

این کتاب می‌پرسد: «چطور می‌توانیم تغییر کنیم؟» و پاسخش می‌دهد: «در رابطه داشتن با دیگران (البته منظور از رابطه با دیگران دیگران در این کتاب رابطه میان روان‌درمانگر و بیمار است. رابطه‌ای که نیازمند یک اعتماد متقابل و مقصد است. نویسنده در این کتاب ماجرای رابطه خودش را با چند بیمار با اجازه از بیماران و با شرکت نام نبرد از آنان شرح کرده است. هدف نویسنده از مطرح کردن ارتباط خود و بیماران این

اقتصاد کیش

پرتیراژترین و با سابقه‌ترین نشریه جزیره کیش

گسترده‌ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

روزانه